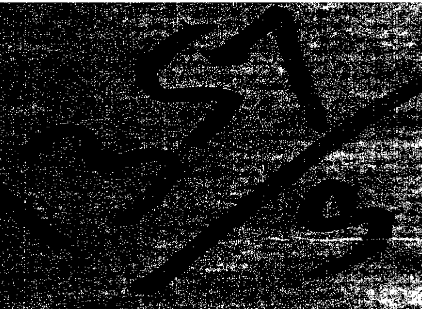
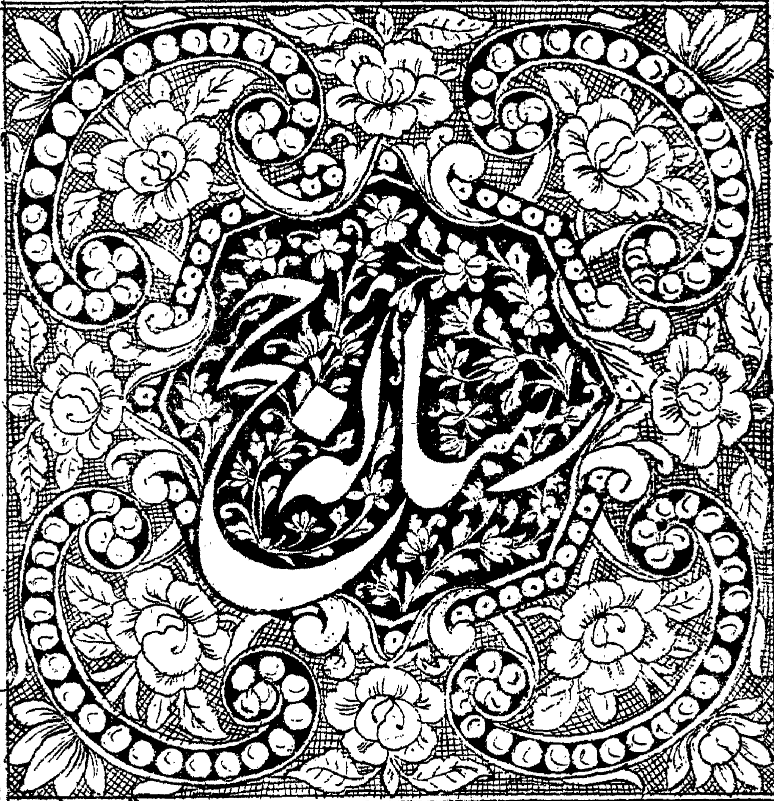


ومن یتوکل علی اللہ فھو حسبہ



مطبع مصطفائی طبع شد
١٢٦٩
کرنی مصطفا محمد خان لکھنو

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین بدانکه این رساله مختصر ترجمه رساله حضرت **خواجه حسن بصری** است رضی الله عنه که از مضمون آیات و مفهوم احادیث نبوی است صلی الله علیه وسلم که امام حضرت خواجه حسن بصری رحمه الله تعالی علیه به یکی از زاهدان و دوستان خود که در مکه معظمه مکرمه صانها الله تعالی الی یوم الدین ساکن بود و میخواست که از تنگ حالی خود از مکه مکرمه برآید نوشته فرستادند و بغایت ترغیب و تحریص بر سکونت نمودند و سخنان نرم و درشت و نصائح درست داله بر اقامت نمودند و فرمودند که مقام در مکه معظمه سعادت ابدی است و برآمدن از آن شقاوت سرمدی اگر ترا اینجا دو فلوس حاصل شود بهتر است که دو هزار از جای دیگر یابی و فرمودند عجب است از عقل تو که نیت برآمدن کرده بعد از آنکه حق تعالی ترا بفضل خود از اهل حرم گردانید و همسایه خود ساخت تمام عالم درین آرزو هستند از هزاران یکی را این دولت عظیم میسر میگردد پس هر آینه شکر این نعمت بجا آر و مادام که در جامه حیات هستی زنهار از مکه بیرون مشو که شیطان ترا خرابی میخواهد و بر خود لازم دان صبر و تقوی و آداب را بتحقیق که مکه بهترین و دوسترین زمین است عند الله و بزرگترین از همه روی زمین است و فضیلت داده است او را بر جمیع شهرها و یاد کرده است او را در قرآن مجید زیاده از بست آیت در فضیلت آن رسول الله صلی الله علیه وسلم چندین احادیث فرموده است که از جمله

شمار بیرون است واندک ازان اینست که درین رساله مختصر ذکر کرده است **بدانکه در خبرست** که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم از مکه معظمه بمدینه منوره هجرت کرد و در باب حزوره باستاد و روبکعبه کریمه کرد و گفت بدرستیکه تو بهترین شهرها و دوسترین زمین نزد حق سبحانه وتعالی هستی وگرنه آن بودی که مشرکان مرا بیرون کردندی از تو بیرون نرفتمی **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند که بهترین بلاد روی زمین و دوسترین شهرها نزد خدایتعالی مکه مبارکه است وتمام روی زمین را از زیر او کشیده اند پس ازان نام او ام القری نهاده اند یعنی مادر شهرها و اول کوهی که بر روی زمین پیدا شد جبل ابوقبیس است و اول طائفه که طواف زمین مکه مکرمه کردند ملائکه بودند پیش از انکه بیافریند حق تعالی ابوالبشر آدم علیه السلام را بدو هزار سال پیشتر و هیچ فرشته نیست که حق سبحانه وتعالی فرستاد او را از هفت آسمان بزمین الا آنکه غسل کند زیر عرش و فرود آید بحرم پس غسل کند بمکه معظمه که طواف هفتگانه بجا آورد و در خلف مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بگزارد بعد ازان برود بکاری که او را مامور کرده اند **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هیچ پیغامبری از قوم خود نگریخت مگر آنکه بمکه مبارکه می آمد و عبادت حق سبحانه وتعالی میکرد تا وفات مییافت **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه در حوالی کعبه کریمه قبر سیصد تن از پیغامبران است که ایشان از گرسنگی و پیش الم کشیده صبر کرده اند تا آنکه وفات یافتند و قبر اسمعیل علیه السلام و مادر او هاجره علیها السلام در حجر است یعنی در حطیم که جانب ناودان کعبه است و هر پیغامبری از پیغامبران که چون قوم ایشان با ایشان ایمان نیاورده اند و ایشان را دروغگو گفته و ایشان از قوم خود گریخته آمده اند در مکه معظمه عبادت میکردند تا وفات مییافتند **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هر کس در حج یا در عمره بمیرد او را عرض و حساب نکنند و گویند در آی به بهشت بی حساب و بی عقاب **و هم** آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که اسمعیل بن ابراهیم علیهما السلام شکایت کرد بحضرت خدایتعالی از گرمای مکه پس وحی آمد از حق سبحانه وتعالی بوی که بدرستی من بگشایم برای تو در حجر دروازه از بهشت که نسیم بهشت پیوسته ترا ازان در بیرون می آمده باشد

تا روز قیامت نقل است که روزی امیر المومنین حضرت عثمان ابن عفان رضی الله تعالی عنه
با صحاب خود ملاقات کرد و گفت که از من بپرسید که از کجا می آیی اصحاب گفتند که بفرمایند که از کجا می
آیند گفت بر در بهشت استاده بودم و حال آنکه زیر ناودان کعبه استاده بود و دعا میکرد و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه نزدیک رکن یمانی دری از درهای بهشت است و هیچ احد
دعا نکند نزدیک حجر الاسود مگر آنکه خدا تعالی دعای او را مستجاب فرماید و میان رکن یمانی و حجر الاسود
روضه ایست از ریاض بهشت و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در مکه معظمه بمیرد در
حالتی که احرام حج یا عمره بسته باشد برانگیزانند او را خدا تعالی روز قیامت بی حساب بی عذاب و
گویند درآی در بهشت از هر دری که خواهی و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که در ماه
رمضان روزه دارد در مکه بدهد خدا تعالی او را ثواب صد هزار ماه که در غیر مکه روزه دارد و یک رکعت
نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار رکعت که در غیر آن مسجد گزارد و اگر بجماعت گزارد یکی بصد
هزار و پانصد نماز محسوب است چنانچه بست و پنجهزار نوبت باشد و هر کس که یکروز در مکه بیمار شود حرام
گرداند خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ و هر کس که یکروز صبر کند بر گرمای مکه تا یکساعت دور گرداند
خدا تعالی تن او را از آتش دوزخ هزار ساله راه و نزدیک گرداند به بهشت دویست ساله راه و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدانید که مکه و مدینه مردمان را پاک میکند از گناه چنانچه پاک میگرداند کوره آهن
آهن را و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر کس که صبر میکند بر سختی مکروهات مکه منکه رسول خدایم
نزد حق سبحانه و تعالی شفاعت او خواهم کرد در روز قیامت و بدانید که اهل مکه خاصان خدایند و
همسایگان خانه اویند و بهترین وادیها وادی حضرت ابراهیم است علیه السلام که عبارت از مکه
است و هر کس که نماز گزارد در حجر یا در برابر در کعبه از گناهان پاک شود و بهترین بقعهای نزدیک
خدا تعالی کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام و ملتزم و بهترین چاهها چاه زمزم است و نظر کردن
بسوی زمزم امان است از نفاق و هر کس که آب زمزم بخورد به هر نیت که خواهد مراد یابد و هم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مومن نظر کند بسوی کعبه از برای گناهان گذشته و آینده

مگر آنکه او آمرزیده شود و در روز قیامت در امان خدا تعالی باشد و فرمود هر کس که دو رکعت نماز بگزارد
در مسجد الحرام بنویسد خدا تعالی برای هر رکعت او دو هزار و پانصد نماز و هم آنحضرت صلی الله علیه
وسلم فرمود آنکسانی که حج و عمره میکنند گروه خدایند و هرچه خواهند بدهد خدا تعالی ایشانرا و دعاء ایشانرا
اجابت کند و آنچه نفقه کنند در راه حج عوض بدهد خدا تعالی بهر درمی هزار درهم قسم بآن خدائی که نفس ابو القاسم
بید قدرت اوست که هیچ تهلیل و تکبیری نیست که حاجیان گویند الا که همه ایشان بموافقت ایشان
تهلیل و تکبیر گویند حتی زمین هم و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که از عمره تا عمره کفارت
گناهان است و حج پسندیده را جزا نیست الا بهشت پرسیدند که حج پسندیده کدام است فرمودند آنکه مردم را
طعام دهند و بر هر که رسند سلام کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که آنچه حاجیان در راه
حج نفقه میکنند عوض بدهد خدا تعالی ایشانرا بیش از مرک هزار چندان و بآن خدای که نفس محمد بید قدرت
اوست که هر درهمی از آن درهم در وزن گران تر باشد از این جبل اشارت بجبل ابو قبیس است
و هم فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر که نظر کند بسوی کعبه بی آنکه طواف کند و نماز گزارد فاضلتر
است نزد خدا تعالی از عبادت یکساله که در غیر مکه باشد از روزه و نماز شب و رکوع و سجود و هم
حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بنشیند رو بکعبه کرده یکساعت خاصه برای خدا
و رسول خدا و برای تعظیم کعبه بدهد حق جل و علا او را مثل ثواب کسی که حج گزارده باشد
و عمره آورده و جهاد کرده و اسپ در راه خدا تعالی دوانیده باشد از برای جهاد و روزه داشته
باشد و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که خدا تعالی اول نظر رحمت باهل مکه میکند هر کرا در طواف
یا در نماز یا در سجده بیند و یا روی بکعبه کرده بیامرزد او را ملایکه گویند باقی نماند مگر جماعتی که در خواب بینند
حق سبحانه تعالی فرماید که ایشانرا نیز داخل آمرزیدگان کنند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود هر که دریابد ماه رمضان را در مکه و تمام ماه روزه دارد و نماز تراویح و نماز شب بگزارد
و آنچه که تواند خدا تعالی از برای وی ثواب صد هزار ماه رمضان که در غیر مکه باشد بدهد و او را بعدد
هر روزی از آن مغفرتی و شفاعتی و بعدد هر روزی درجه در بهشت و بعدد هر روزی ثواب

بنده آزاد کننده و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در مکه بودن سعادت است و بیرون رفتن از آن شقاوت است بدانکه این حدیث نزد اکثر علماء محدثین موضوع است بر تقدیر صحت و رود وی معنی آنست که اگر کسی را مجاورت مکه معظمه میسر شود و آداب انمکان قدسی آستان میتواند نگاهداشت سعادت است و اگر باختیار خود بطلب دنیا و حظ نفس بی ضرورت می برآید نشان شقاوت است والا الله تعالی اعلم و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که طواف کند کعبه را هفت نوبت در روز تابستان در گرمای سخت سر برهنه بود و در هر نوبت که بحجر الاسود رسد دا ورا بوسه دهد چنانکه ایذا بکس نرساند و سخن دنیا نگوید بکر ذکر حق تعالی بعد هر قدمی که نهد و بر دارد هفتاد هزار حسنه او را نویسند و بلند گردانند از برای او هفتاد هزار حسنات و محو کنند از نامه اعمال او هفتاد هزار سیئات و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که فضیلت حاجی پیاده بر حاجی سوار همچون فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستارها و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حاجی سواره را بهر گامی که نهد و بر دارد هفتصد هزار حسنات حرم است پرسیدند که یا رسول الله حسنات حرم کدام است فرمود که حسنه بصد هزار حسنه است و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود اگر فرشتگان کسی را مصافحه کنند هر آینه غازیان را یا کسی را که با مادر و پدر نکوئی کرده باشد یا کسی را که گرد کعبه طواف کند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که گرد کعبه کریمه هفتاد هزار ملک اند که آمرزش میخواهند برای کسی که طواف کند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که طواف کعبه کردن در آمدن است در رحمت خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی مباهات میکند بر طواف کنندگان کعبه بر ملائک و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حج کسی که مقبول شده باشد او را اذن شفاعت چهار صد تن است از هر که خواهد اهل بیت او و از مسلمانان و بیک روایت هر چند که خواهد حق سبحانه و تعالی ببخشد و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که عمره ماه رمضان برابری میکند با حجی و بروایتی برابری میکند با حجی که با من گزارند و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که در حرم مکه بمیرد همچنان است که در آسمان

چهارم مرده باشد وهرکه در حرم مدینه بمیرد همچنان است که در آسمان اول مرده باشد وهم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اطراف حجون وبقیع را بگیرند و در روز قیامت در بهشت افشانند حجون گورستان
مکه است ومشهور است بمعلا وبقیع گورستان مدینه است وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
که برانگیزاند خدا تعالی از گورستان مکه هفتاد هزار شهید که بیحساب درآیند در بهشت و رویهای
ایشان همچون شب چارده باشد وهریک هفتاد نفر را شفاعت کنند پرسیدند یا رسول الله ایشان
چه کسانند فرمود که ایشان غربا باشند وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هرکه بخانه کعبه درآید
در رحمت خدا تعالی درآمده باشد وچون بیرون آید آمرزیده بیرون آمده باشد وهم آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که نیست هیچ عمل فاضل تر از حج پسندیده وفرمود هرکه حج گزارد وذکر
فسق نکرده وفحش نگفته وحرام نخورده باشد همچنان باشد که از مادر این زمان زائیده باشد بیگناه
وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه خدا تعالی هر روز صد وبست رحمت برای
خانه کعبه میفرستد شصت از برای طواف کنندگان در کعبه وچهل برای نماز گزارندگان وبست
برای نشینندگان روی کعبه ونظر کردن بکعبه عبادت است وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود جهادی که خرد وبزرگ وضعیفان ونسوان میتوانند کرد حج وعمره است وفرمود که هرکه
صبر کند بر گرمای مکه ساعتی از روزی صد ساله راه دوزخ از وی دور کنند وهرکه یکروز بیمار
شود در مکه بنویسد خدا تعالی از برای او عمل صالح که میکند در غیر مکه عبادت شصت ساله وهم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود یمین خدا تعالی است در زمین که مصافحه میکنند بآن
بابندها همچنان باشد که شما با برادران مومن مصافحه میکنید وهرکه بیعت رسول صلی الله علیه وسلم در نیافت
پس از آن دست بحجر الاسود رساند بدرستیکه بیعت با خدای ورسول خدا صلی الله علیه وسلم کرده باشد
وهم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجر الاسود ومقام ابراهیم علیه السلام بیایند در
روز قیامت وهریک ببزرگی مثل کوه ابوقبیس باشد وهریک از ایشان را چشمها وزبان باشد وگواهی
دهند بآنانی که ایشانرا دریافته اند وبعهد ابراهیم علیه السلام وفا کرده اند در روزی که ایشانرا بحج خواند

است و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که حج کند از برای مادر و پدر خود بنویسد از برای او حج
مخصوص و دیگر از برای مادر و پدر او و فرمود که یک حج مقبول بهتر است از دنیا و هر چه در دنیا باشد و هم فرمود
آنحضرت صلی الله علیه و سلم هر که برای مرده حج کند بی آنکه وصیت کرده باشد بنویسد خدا تعالی برای
آن مرده حجی و از برای حج کننده هفتاد حج و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که باقی نمانده در
روی زمین چیزی از بهشت غیر از حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام و اگر نه آن بودی که مشرکان
در زمان جاهلیت آنرا بدستان خود مساس کرده بودندی و هیچ بیماری از وی طلب شفا نکردی مگر آنکه آن
بیمار شفا یافتی و هم آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که طواف بسیار بکنید پیش از آنکه حایل شود میان
شما و میان کعبه مانعی که گویا که حق می بینم مردی را که آدم سر است و با کنج خانه کعبه نشسته و بر میکند یکیک
سنگ او را و فرمود که هر که دو رکعت نماز در مسجد الحرام بگزارد همچنان است که هزار رکعت در مسجد من گزارده
باشد یعنی در مسجد مدینه و یک رکعت نماز در مسجد من فاضلتر است از هزار رکعت در غیر آن و هم آنحضرت صلی الله
علیه و سلم فرمود که زیارت کرده باشد مراد حیات من کسی که زیارت کند قبر مرا برابر است اگر زیارت کننده
من بداند که او را چه اجر است هر آینه بیاید بزیارت قبر من غرغران یعنی تیز رو همچو غرابه طفلان و خواجه حسن بصری
رضی الله عنه میفرماید که نمیدانم هیچ شهری بر روی زمین که هر عمل خیری که در وی کنند یکی را بصد هزار نویسند غیر از مکه
مبارکه و نیز نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که در وی شراب ابرار و مصلای اخیار باشد غیر از مکه مشرفه زیرا که
ابن عباس رضی الله تعالی عنهما فرمود که شراب ابرار زمزم است و مصلای اخیار زیر ناودان و نمیدانم هیچ
شهری را بر روی زمین که حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود را امر کرده باشد که فلان موضع را جای نماز خود کن الا مکه که
آنجا فرموده وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که بمجرد نظر کردن عبادت
نویسند بی آنکه نماز گزارد یا طواف کند الا مکه معظمه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که طاعتی
نکنند در وی که اجر رسد الا مکه و افطار در مکه افضل است از روزه یکساله و جای خواب کردن در و
بهتر است از نماز شب در غیر او و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که برخیزند در روز قیامت از انبیا
و صدیقان و ابرار و فقها و عباد و صلحا و اخیار از مردان و زنان ایشان جمله رستگاران باشند

روز قیامت از عذاب خدا تعالی الا در مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین از دعا که فرود آید
در وازه روح و راحت جنت الا مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که مستجاب شود دعا الا مکه
که در پانزده موضع در مکه و حوالی او که دعا مستجاب میشود اول چون نظر بکعبه افتد دوم نزدیک حجر الاسود
سوم در ملتزم چهارم در زیر ناودان کعبه پنجم نزدیک رکن یمانی ششم میان رکن حجر الاسود و مقام
ابراهیم علیه السلام هفتم اندرون خانه کعبه هشتم پس مقام ابراهیم علیه السلام نهم در حطیم دهم در سر چاه
زمزم یازدهم در صفا دوازدهم در مروه سیزدهم در منا نزدیک جمرات ثلث چهاردهم در مزدلفه پانزدهم
در عرفات و امام المشائخ حضرت خواجه حسن بصری رحمة الله علیه میگوید که غنیمت دارید این موضع را که محل
اجابت دعاست و بکنید در دعا تضرع و چون از مکه بیرون روید از برکت این موضع محروم نمایند و نمیدانم
هیچ شهری را بسوی زمین که همه انبیاء مرسل و پیغامبران و ملائکه علیهم الصلوة والسلام بسوی او آمده باشند
الا مکه و نمیدانم هیچ شهری را بر روی زمین که درهای بهشت بسوی او کشاده شوند تا روز قیامت الا مکه یک
در نزدیک باب کعبه است و یک در نزدیک ناودان کعبه و یک نزدیک حجر الاسود و یک نزدیک رکن
یمانی و یک نزدیک صفا و یک نزدیک مروه و یک نزدیک چاه زمزم و یک در درون خانه کعبه و هیچ احدی
در خانه کعبه در نیاید الا برحمت حق تعالی و بیرون نرود الا بمغفرت حق جل و علا و هم آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فرموده هر که استطاعت دارد که در مکه یا در مدینه اقامت کند و هم آنجا بمیرد اول کسیکه
شفاعت او را کنم منم در روز قیامت و رستگار باشد از عذاب خدا تعالی و بروی نه حساب باشد و
نه عقاب و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سفر مکنید الا بسوی سه مسجد اول مسجد الحرام
دوم مسجد من یعنی مسجد مدینه سوم مسجد اقصی که یک نماز در مسجد الحرام برابری میکند بصد هزار نماز جای
دیگر و در مسجد مدینه بهزار نماز جای دیگر و در مسجد اقصی برابری میکند بپانصد نماز جای دیگر و فرمود صلی الله
علیه وسلم که هر که یک نظر بکعبه کند گناهان او را بیامرزند اگر چه بعدد کف دریا و ریگ بیابان باشد و چون
روز عرفه شود و خلق در موقف عرفات حاضر شوند رحمت خدا تعالی بخلق نزدیک شود و با آسمان
دنیا آمده و بعد از آن درهای آسمان بگشایند پس مباهات کند خدای عز و جل بحاجیان بر فرشتگان خود

پس بفرماید ببینید بندگان مرا که بعبادت من در آمده اند ژولیده موی و گرد آلوده روی از راههای دور
بامید مغفرت ما آمده اند بدرستیکه همه ایشان را بیامرزیدم و ندا کند باز گردید ای بندگان من همه را آمرزیدم
و گناهان شما را عفو کردم هر کرا خواهید شفاعت کنید اگرچه گناهان بشمار ریگ بیابان و کف دریا
و بعدد ستارهای آسمان و بعدد قطرهای باران باشد همه را آمرزیدم بدرستیکه من ارحم الراحمین
ام و رحمت من بهمه چیزها میرسد و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرکه حج اسلام بگذارد
همه گناهان او آمرزیده شود پس از آن فرشته بیاید و دست میان دو شانه نهد و بگوید
که ای بنده کنه گار را آید بسیار که کار گذشته تو بکفایت شود و گویند گناهی بزرگتر از آن
نیست که چون بنده از عرفات باز گردد گناهان او عفو کرده و باز گوید که آمرزیده نشده باشم
و خدای تعالی را یک نوع رحمت است که چون بر زمین آید ده جزو میشود نه جزو نصیب اهل مکه
و یکجز و نصیب اهل تمام عالم **بدانکه** فضایل حج و عمره و بزرگی حرم از حساب بیرون است
که گناههای کلان از فضائل او بیرون است و در آن هیچ شکی نیست و شک کننده محروم است
اخلاص و عقیده و لقمه حلال و نیت نیک در کار است تا نتیجه عمل ظاهر شود دنیا دار عمل است و آخرت
دار نتیجه عمل باید کرد بدل حاضر و قلب خاشع بنده را بندگی باید و نتیجه را امیدوار باید بود ان الله
لا یضیع اجر المحسنین والسلام علی من اتبع الهدی بسم الله الرحمن الرحیم
بدانکه در صحف آدم علیه السلام سورتی نازل شد که ترجمه آن اینست که من آن خدایم
که مکه را بیافریدم و کعبه را باضافت بیتی مشرف ساختم پس ساکنان مکه همسایگان من
باشند و مکه را باهل آسمان و زمین معمور دارم تا آنکه هر روز هفتاد هزار فرشته را بفرستم که طواف
بیت المعمور کنند و بر زمین آیند و طواف کعبه مکرمه کنند و از آنجا بزیارت مرقد سرور عالم صلی الله
علیه وسلم روند و ایشان باز نیایند و همچنان هر روز هفتاد هزار دیگر فرستم و در ایام حج ششصد
هزار حاجی بیایند و اگر از آدمیان آن مقدار نباشد از ملائکه بفرستم تا آن عدد را کمال کنند
و چون فوج فوج با موی ژولیده و روی گرد آلوده تکبیر گویان با خروش تلبیه و تسبیح

بحکم آیند و به نیت خالص و اعتقاد درست از خانهای خود بدر آیند پس ایشان بزیارت من آمده اند و
بضیافت رسیده اند و بجناب کبریائی من نزول کرده اند بر ذمهٔ اکرام من واجب است که
ایشان را با جر جزیل و ثواب جمیل و عطیات وافر و کرامات متکاثره مخصوص و محظوظ کردانم
و سیئات ایشان را محو سازم و درجات ایشان را بلند کردانم ای آدم عمارت کعبه را بدست
پسر تو ابراهیم خلیل با تمام رسانم و ابراهیم را بطفیل این خانه کرامات علیه و عطیات سامیه بخشم
بعد وی با ولاد وی از رحمت خود معمور دارم و در آخر الامر مرکوز به سلطنه دبدبه نبوت پسر تو
محمد را از مکه طالع سازم و تا قیامت با امت او اینخانه و این شهر را معمور دارم و این فرزند ترا
خاتم النبیین کردانم پس هر که در موسم حج خواهد که مراد را یابد بداند که من نزدیک جماعت فقرا ام
که موی پریشان و روی کرد آلوده دارند و ندرها و خویش را ایفا میکنند و رویهای خود را
متوجه من ساخته اند و در مناسک نور الدین ملا عبد الحق دهلوی که از کبار محدثین و متاخرین است علیه
الرحمه مذکور است که احادیث در فضیلت حج مطلقا و ترغیب دران بسیار واقع شده است خصوصا
در بخاری و مسلم واقع شده که هر که حج کرد برای خدا و رفث و فسق نکرد پاک کرد از کناه چنانکه
امروز زاده شد از مادرش یا از کناه و نیز در حدیث بخاری و مسلم مذکور است که عمره تا عمره دیگر کفارت
کناهان است از انچه که واقع است درمیان از کناهان و حج مبرور نیست جزای او مگر بهشت و
نیز آمده است که عمره در رمضان برابر است با حج و در بعض روایت آمده است که حجی که همراه پیغمبر کند
صلی الله علیه وسلم و در حدیث امام ترمذی از امیر المومنین علی کرم الله وجهه آمده که گفت رسول
صلی الله علیه وسلم هر که مالک شود زاد و راحله را که برساند او را به بیت الله و حج نکرد و تفاوت
نمیکند که بمیرد یهودی و یا نصرانی و این غایت تغلیظ و تشدید در وعید است بترک حج و اشارة
است بآنکه ترک وی موجب نحوست نهایت و کفران نعمت است و تخصیص یهودی و نصرانی از جهت
آن باشد که ایشان اهل ملت اند و کتابهای خدا تعالی میخوانند و بدان عمل میکنند بخلاف کفار دیگر
و امام دارمی نیز اینحدیث را آورده از ابی امامه رضی الله تعالی عنهما این لفظ هر که منع نکند او را

از حج حاجت ظاهر یا سلطان جابر یا مرض حابس پس بمیرد و حج نگزارد برابر ست که یهودی
بمیرد یا نصرانی و در حدیث ابی داود و ابن ماجه از ام سلمه رضی الله تعالی عنها آمده است که گفت
شنیدم از رسول صلی الله علیه وسلم که گفت هر که احرام بندد بحج یا عمره از مسجد الاقصی بسوی مسجد
الحرام آمرزیده شود مر او را از انچه پیش ازین کرده از گناهان و انچه پس ازین کند و ابو داود از
ابن عباس رضی الله تعالی عنهما آورده که گفت رسول صلی الله علیه وسلم هر که خواهد که حج
کند باید که شتابی کند و بیهقی از ابی هریره رضی الله تعالی عنه آورده اند که گفت رسول صلی
الله علیه وسلم هر که برآید برای حج یا عمره یا برای غزا پس بمیرد در راه بنویسد خدا تعالی برای
او اجر غازی و حاجی و معتمر و در بعض روایات زیاده کرده هر سالی یعنی هر سال ازبرای او
حج و غزا و عمره نویسند فطوبی له انتهی و در زاد الحج آورده است که در حدیث قدسی آمده است
که ای بنده ترا صحت دادم و معیشت را بر تو فراخ کردم بر تو پنج سال بگذشت که سوی من
میل نکردی از فضلت نیز رکب و رحمت الحمل من ناامید شدی بدانکه ازهمین حدیث دلیل گرفته اند
بعض که بعد از پنج سال فرض است حج بازعود میکنند یعنی بعد از هر پنج سال حج کردن لازم
است والله تعالی اعلم و هم در حدیث فرمود که هر کس مالک شود توشه و مرکب را که برساند
او را به بیت الله و حج نکند و عزیمت حج نکرده باشد پس نیست هیچ حجت بر وی بانکه بمیرد یهودی
یا نصرانی و هم در حدیث بلفظ دیگر آمده است که هر که بمیرد و حج نیاورده باشد و باز نداشته
باشد او را از حج آوردن بیماری نه سلطان جابر و نه عذر بحاجت برابر است آنکه او جهودی
بمیرد یا ترسا و هم در حدیث آمده است که هر که حج نکند و وصیت هم نکند بحج حق سبحانه قبول
نکند روز قیامت هیچ عمل او را و روایت کند ابن عباس رضی الله تعالی عنهما
هر کرا مال بود و استطاعت حج دارد و حج نیاورد و بران حال بمیرد در آید در آتش دوزخ
در آید در آتش دوزخ در آید در آتش دوزخ بار به و هم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حجی که مقبول
حضرت او نباشد کفارت گناه هفتاد ساله میشود پس حج مقبول را ثواب بیحساب است

امام محمد بن حسن نقاش المفسر در مناسک حج ذکر کرده که در مکه معظمه چهل جای مکان قبولیت دعا است
و از برای هر مکانی وقتی معین کرده شده چنانچه اکثر آن را ذکر میگردد اینست خلف مقام
ابراهیم علیه السلام و تحت المیزاب وقت سحر نزد رکن یمانی وقت نماز فجر و نزد حجر الاسود نصف
النهار و نزد ملتزم نصف اللیل و بر سر چاه زمزم غروب آفتاب و در اندرون خانه کعبه میان
دو ستون اول وقت زوال و در وقت آمدن از باب السلام و بالای صفا و مروه بعد از عصر و در خانه
خدیجه کبری رضی الله عنها که آنرا قبة الوحی میگویند شب جمعه در مولد النبی صلی الله علیه وسلم روز دوشنبه
وقت زوال و در دار الخیزران که قریب صفا است بین العشائین و در منا شب چهاردهم ماه و در مسجد
الکبش که مذبح حضرت اسمعیل علیه السلام است و در مسجد الحرام در مزدلفه قبل از طلوع آفتاب و در عرفات
و در موضعی که تحت السدره میگویند وقت زوال و در موقف جانب چپ جبل الرحمة وقت غروب
و در مسجد السحره که مقابل مسجد بیعت است روز چهارشنبه و در متکا روز یکشنبه و در غار جبل ثور و در
مسجد بیعت که قریب بمنا است جانب دست چپ رونده و در غار مرسلات که آنجا سورة والمرسلات
نازل شده است و آن غار پهلوی مسجد خیف است و نیز در مغاره فتح در زمین که صخرة عائشه میگویند
رضی الله عنها و عندها معبد النبی صلی الله علیه وسلم قبل النبوة والدعاء موکد فیها و رباط موقف
و بالای جبل ابی قبیس وقت ظهر و فی روایت حرا و بر مطلقا و نزد قبر حضرت خدیجه کبری
رضی الله تعالی عنها و نزد قبر سفیان ابن عیینه و قبر شیخ فضیل بن عیاض و قبر امام عبد الکریم
ابن هوازن القشیری و قبر شیخ ابو الحسن الشیولی و قبر عبد الله الحسن ابن ابی عمید و صاحب المقام
ای مقام ابراهیم علیه السلام او آخر روز جمعه رضی الله تعالی عنهم اجمعین باید دانست که در قبولیت
دعا هیچ شکی نیست در دنیا و در آخرت البته البته نتیجه او ظاهر خواهد شد حق تعالی حکیم کریم است اگر در دنیا
مصلحت بنده نباشد در آخرت قبول دعا او را خواهد ساخت انشاء الله تعالی رب العالمین بفضله و کرمه

تمام شد

دانستن اوقات استجابت دعوات در ایام سبعه که معلوم اند اینست روز شنبه صبح روز یکشنبه عصر

روز دوشنبه روز سه شنبه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه باید که از معلومات
ایام مذکوره غافل نشود که بفضل الهی بمقصد برسد فواید دوازده کلمه روایت میکند
عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه از حضرت رسالت پناه صلوات الله تعالی علیه
والسلام که فرمود این دوازده کلمات منتخب است از توریت و انجیل و زبور و فرقان
باید که هر مومنی که این را بر ورق کاغذ بنویسد و هر روز بران نظر کند و بران عمل نماید
برگزیده حضرت خدای تعالی باشد کلمه اول حضرت حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرزند
آدم غم روزی مخور مادام که خزینه رحمت و نعمت من پر است و خزینه من هرگز خالی نشود
کلمه دوم ای فرزند آدم از سلاطین جبار و امراء کبار مترس مادام که سلطنت من علی الدوام
باقی است کلمه سوم ای فرزند آدم با کسی انس و محبت مگیر و از کسی چیزی مطلب مادام
که مرا یابی و هرگاه که مرا طلب کنی بیابی کلمه چهارم ای فرزند آدم همه چیز را از برای تو آفریدم
و ترا از برای خود پس خود را بر در دیگران خوار مکن کلمه پنجم ای فرزند آدم همچنان من از
تو عمل فردا طلبم تو نیز از من روزی فردا مطلب بزرگی بیت گوید تا توانی نخوری غم
فردا امروز چون بفردا برسی روزی فردا برسد کلمه ششم ای فرزند آدم چنانچه
از پیدا کردن نه آسمانها و هفت زمین ها عاجز نیامده ام از پیدا کردن تو و رزق رسانیدن
تو عاجز نیایم و ترا روزی بلاشک برسانم کلمه هفتم ای فرزند آدم همچنانکه روزی ترا فوت
نمیسازم تو عبادت مرا نیز فوت مکن و مخالفت در امر من مکن کلمه هشتم ای فرزند آدم آنچه
قسمت تو کرده ام بدان راضی باش و از هوای نفس شیطانی دل خود را از وسوسه ها مخراش
کلمه نهم ای فرزند آدم من محب توام و تو محب من باش و همیشه از غم عشق و محبت من
خالی مباش کلمه دهم ای فرزند آدم از قهر من ایمن مباش تا از پل صراط نگذری و پای در بهشت
ننهی کلمه یازدهم ای فرزند آدم در غضب میشوی بر من برای مصلحت نفس خویش و غضب
نمیکنی بر نفس خود جهت حصول رضای من کلمه دوازدهم ای فرزند آدم اگر قسمت

من راضی شوی نفس خود را برهانی از عذاب من و اگر بدان راضی نشوی و نفس را بر تو
گمارم تا ترا چون وحشیان در بیابان ها دوانیده باشد بعزت و جلال من که نیابی مگر آنچه
ترا در تقدیر کرده ام ۵

تمام شد

حضرت اسماعیل ذبیح اللّٰه علیه السلام بن حضرت بی بی هاجره و حضرت اسحق نبی اللّٰه علیه السلام بن بی بی ساره رضی

بست و پنج مواعظ و نصیحت از صحف حضرت ابراهیم خلیل اللّٰه علیه السلام

منقول است کعب احبار رضی اللّٰه تعالی عنه میگوید که در صحف ابراهیم علیه السلام مرقوم است
مَهلاً مَهلاً یا ابن آدم فَاِنَّ الرِّزقَ مَقسُومٌ وَالحَرِیصُ مَحرُومٌ وَالبَخِیلُ مَذمُومٌ وَالحَسُودُ
مَغمُومٌ وَالدُّنیَا لَاتَدُومُ وَالرَّزَّاقُ هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ نصیحت دوم ای پسر آدم بدرستیکه
من خوشنودم از تو بنماز و خدمت روز بروز تو نیز از من راضی باش برزق و روز بروز
نصیحت سوم ای پسر آدم پیش فرست آنچه در دست خود داری برای آنروز که در پیش
داری نصیحت چهارم ای پسر آدم شکر گذاری کن کسی را که درباره تو انعام فرموده و
انعام کن در حق آنکه شکر گذاری تو نموده نصیحت پنجم ای پسر آدم همه عمر در طلب دنیا فانی
کردی پس طلب آخرت کی خواهی کرد نصیحت ششم ای پسر آدم بدرستیکه آفریده ام برای تو چشمها
تو پوششی که عبارت از پلک است تا چون چیز نادیدنی در پیش نظر تو در آید فی الحال چشم خود از ان
بپوشانی و همچنین از برای دهان تو طبقه از لبان تو ترتیب کرده ام تا چون سخنی ناگفتنی باشد از ان
لب بندی نصیحت هفتم ای پسر آدم از آنها مباش که طلب دنیا کنند بطول آمل و آرزوی عقبی
بزند بتقلیل عمل سخن ایشان موافق عابدان بود و فا ما عمل ایشان مطابق منافقان باشد اگر عطا یابند
قناعت نکنند و اگر مرادی از ایشان بازدارند صبر نکنند پس اگر معائنه تو بران منوال گذرد ترا بابلای
گرفتار کرده ام که همه عالمیان از تو تجربه بردارند نصیحت هشتم ای پسر آدم هر که ترا دوست میدارد در برای

خود دوست میدارد و سوگند بعزت من که من ترا برای تو دوست میدارم زینهار که خود را از
من بشامت بخل و رنه اندازی نصیحت نهم ای پسر بنی آدم در گردن تو دو مخلاة آویخته ام
در یکی عیوب تو و در دیگری عیوب مردم تو همواره چشم از عیوب خود بر دوخته و چشم بر عیوب
خلائق انداخته این نیز از انصاف است نصیحت دهم ای بنی آدم نه هر که کلمهٔ لا اله الا الله بگوید
به بهشت در آید مگر کسی که بآن چند عمل دیگر جمع کند یکی تواضع نماید در درگاه من و عمر خود را بگذراند
بیاد من و نفس خود را از محرمات باز دارد برای من و غربا را در جوار خود جا دهد و با فقرا مواسا
کند و بر یتیمان رحم نماید برای رضا من نصیحت یازدهم ای پسر آدم چون در دل خود قساوت
یابی یا در بدن خود بیماری مشاهده کنی یا در اموال خود نقصان فهم کنی یا در روزی خود حرمانی
مطالعه نمائی بدانکه اینها همه از شامت سخنان مالایعنی است که بآن تکلم کرده نصیحت دوازدهم ای پسر
آدم اگر تو بهشت را دوست میداری خدای جل و علا طاعت را دوست میدارد تو عمل کن بانچه دوست
منست یعنی طاعت تا در آرم ترا در انچه دوست تست یعنی در بهشت و اگر تو مکروه میداری دوزخ را
خدایتعالی نیز مکروه میدارد معصیت را پس تو ترک کن مکروه مرا یعنی عصیان تا من نگاه دارم
ترا از مکروه تو یعنی دوزخ نصیحت سیزدهم ای پسر آدم از شبهات اجتناب نمای تا مرا بشناسی و
گرسنگی پیشه کن تا مرا ببینی و خود را برای من فارغ ساز تا بمن واصل شوی نصیحت چهاردهم مسکین
پسر آدم اگر برای بهشت آن مقدار عمل کند که از برای دنیا کند خداوند سبحانه او را بحساب در بهشت در آرد
و اگر قناعت کند بانچه خداوند تعالی داده او را از کل خلائق مستغنی فرماید و اگر ترک حرام کند
دین خود را خالص گرداند و اگر ترک دروغ کند از جملهٔ صدیقان شود نصیحت پانزدهم ای پسر آدم
هر چه داری از محتاجان باز مگیر تا من نیز باز ندارم از تو انچه دارم و گرامی دار مهمان مرا چنانچه
من گرامی میدارم مهمان ترا مهتر ابراهیم علیه السلام عرض کرد خداوندا مهمان تو کیست تا او را گرامی
دارم وحی آمد که هر فقیری و حقیری که نزد تو آید بدانکه مهمان من اوست نصیحت شانزدهم ای پسر آدم
همه شما خطاکارانید و من همه غفران بمن باز گرد و پس تو توبه کن تا من بیامرزم و باک ندارم

نصیحت شانزدهم ای پسر آدم مرا یاد کن چون غضب بر تو مستولی گردد تا ترا یاد کنم برحمت خود
در وقتی که غضب من ظهور کند نصیحت هفدهم ای پسر آدم هر که از من راضی شود بقلیلی از رزق
من نیز راضی شوم از وی بقلیلی از عمل نصیحت هیجدهم ای پسر آدم سه چیز است یکی خاصهٔ از آن
من و یکی خاصه از آن تو و یکی از آن میان من و تو آنکه خاصهٔ منست روح است در بدن تو و آنکه خاصهٔ
تو است عمل تست و آنکه میان من و تست از تو دعا و از من اجابت پس زنهار محجوب نگردانی دعای
خود را از من بلقمهٔ حرام نصیحت بیستم ای پسر آدم بآنقدر که میل میکند دل تو بدنیا بیرون کنم محبت خود را
از دل تو و بآن مقدار که حرص کنی در دنیا بیرون برم حلاوت ایمان را از سینهٔ تو ای پسر آدم
ترا برای آن نیافریدم که تو دنیا جمع کنی بلکه برای عبادت خود آفریدم و برای آنکه بازداری دعوت
مظلومان را از درگاه من بدرستیکه دعای مظلوم را اجابت میکنم و اگر چند فرصتی در میان افتد
نصیحت بیست و یکم ای پسر آدم روز نو نشود مگر آنکه برای تو رزق نو بفرستم و در برابر آن فرشتگان
من از تو عمل ناپسندیده بجناب من بیارند روزی من میخوری و عصیان می ورزی و با وجود این دعا
میکنی اجابت میکنم و هرچه میطلبی عطا میدهم و ترا به بهشت میخوانم و اجابت نمیکنی نصیحت بیست و دوم
ای پسر آدم تقرب جوی تو با من بانفل و جوار من بدست آر بعمارت مساجد و رضای من بطلب
بهمنشینی با علما و دروغ گو را بکلی ترک کن تا ملائکهٔ من بمصافحهٔ تو تقرب جویند و غیبت را بگذار تا بهشت
من بتو مشتاق شود و مرا بعد نماز بامداد و نماز دیگر ساعتی یاد کن تا ما بین این دو وقت را از برای
تو کفایت کنم نصیحت بیست و سوم ای پسر آدم از دعا ملول مشو که من از اجابت ملول نمیشوم و هر چند
در معاصی اسراف کرده باشی نومید نباشی از رحمت من فَاِنَّ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ای پسر آدم
بی سوال و بی طلب ترا ایمانی بفضل خود کرامت کردم پس چگونه بخیلی کنم با تو به بهشت با وجود اینهمه سوال
و طلب نصیحت بیست و چهارم ای پسر آدم به پیوند با کسی که از تو ببرد و عطا ده با آنکه ترا محروم کند و سخن
کن با کسی که از تو زبان بازگیرد و نصیحت کن هر که در بارهٔ تو خیانت کند و عفو کن هر که در بارهٔ تو ظلم
کند و نکوئی کن با هر که با تو بدی کند تا از جملهٔ سابقان باشی بجنت و از زمرهٔ قایمان برحمت و

ترا باین معاملات ثواب هفتاد پیغامبر کرامت کنم نصیحت بست و پنجم یا ابن آدم الرحیل الرحیل تزود فان السفر بعید و خففت فان العقبة کاد و اخلص العمل فان الدیان تصیر و کویند این نصیحت آخرین بود از نصائح صحف ابراهیم علیه السّلام و روایت است که ابراهیم علیه السلام از حضرت حق سبحانه تعالی سوال کرد که خداوندا چیست جزای آن بنده که جنازه او با دیده از ترس تو تر شود حق تعالی جواب فرمود که ای ابراهیم جزای او مغفرت من و بهشت من و رضوان من و سوال کرد که خداوندا چیست جزای آنکس که متکفل یتیمی و بیوه بود فرمود ای خلیل من جزای او آنکه اورا در میان عرش خود جا دهم در روز قیامت ابراهیم گفت ربنا لک الحمد لک الحمد

تمام شد

ذکر عمر مهتر ابراهیم خلیل الله علیه السّلام و اخذ میثاق از مهتر اسمعیل علیه السلام و سپردن او تابوت سکینه را با آنحضرت

بدانکه عمر حضرت ابراهیم علیه السلام بمذهب اهل کتاب صد و هفتاد و پنج سال بود و در معارف قتیبی دویست سال تعین نموده و در اخبار الزمان مسعودی صد و نود و پنج سال نوشته و علماء تواریخ قول مسعودی را ترجیح داده اند و علماء حدیث بر دویست سال اتفاق کرده اند والله اعلم و محمد اسحق گوید که چون عمر ابراهیم علیه السلام آخر رسید تابوت سکینه را که از آدم علیه السلام با آنحضرت رسیده و آن تابوتی بود که بعدد هر پیغمبری خانه از زبرجد سبز در وی مرتب بود و آخر خانه حضرت محمد رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم در آنخانه دیباجه بود و حمرا بر وی صورت آنحضرت نگاشته و از راست آنصورت کهلی هر قوم ساخته و آن صورت صدیق اکبر بود رضی الله تعالی عنه و بر پیشانی وی نوشته که اول کسی که دائره تصدیق این پیغمبر برگزیده حق نهد او باشد و از یسار وی صورت فاروق اعظم رضی الله عنه ثبت کرده و بر پیشانی وی نوشته که در دینداری چون آهن محکم بود و از

لاکمان نانذیشید واز عقب آن صورت ذی النورین عثمان منقش کرده و بر پیشانی وی نوشته
که این اسم خلفای راشدین ست و از مقابل آن صورت علی رضی الله عنهم اجمعین رقم زده
و شمشیر برهنه بر دوش وی نهاده و بر پیشانی او نوشته که او شیر حمله کننده است که هرگز
گریزان نشود و خدا تعالی و رسول وی را دوست دارد و نیز او خدا و رسول او را دوست
دارد و در حوالی خلفا صور اصحاب از مهاجر و انصار کشیده بعد از ان ابراهیم علیه السلام
آن را طلبید و اولاد خود را گفت تا نظر دران صور انبیا کردند و دانستند که همه انبیا از صلب حضرت
اسحق پیغمبر علیه السلام خواهند بود الا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که او از صلب اسمعیل علیه
السلام خواهد بود انگاه اسمعیل را گفت که مرا فرموده اند که از میان اولاد خود عهد و میثاق
از تو فرا گیرم تا این نور محمدی وضع نکنی الا مطهرات بنکاح و او را بکوه ثبیر برد و آنجا ابر پاره
سفید ظاهر شد و مشک خالص بر ایشان بارید و عهد و میثاق از اسمعیل فرا گرفت و عهد نامه
معهوده از وی بستد و تابوت سکینه وی را سپرد و بجانب قدس مراجعت فرمود و در انجا
دعوت حق را اجابت فرمود و در بعض روایات توثیق این عهد بعد اتمام بنای کعبه
کریمه ایراد یافته والله اعلم روزی ابراهیم بطلب ضیف بیرون آمده در صحرا پیری دید ضعیف
که پیاده پا میرود و جمازه برای طلب می عادت بهود بفرستاد تا او را سوار نزد آنحضرت حاضر کردند
و آنحضرت طعام طلبیدند که بهمد گر بخورند آن پیر لقمه از ان برداشت تا در دهان برد گاهی بسوی
چشم میبرد و گاهی بسوی گوشش و چون در دهان فرو بردی مستراح از دبر بیرون رفتی
و حضرت ابراهیم با حضرت حق تعالی عهدی بسته بود که تا فوت خود را از حضرت خداوندی
مسئلت نکند یک مرگ بسر وقت او نرسد بعد از انکه این پیر را برین حال دید از وی پرسید
که ای پیر بچه سبب باین منوال ضعیف گشته او گفت بسبب کبر سن گفت عمر تو چه مقدار
است آن پیر مقدار عمر خود بدو سال زیاده از عمر ابراهیم بیان کرد پس آنحضرت با خود
گفت که تا دو سال دیگر احوال من نیز باین منوال خواهد شد و آن پیر گفت آری

ابراهیم گفت خداوندا جان من قبض فرمای پیش از آنکه باین عجز و ضعف مبتلا
شوم پیر برخاست و بحکم رب تعالی قبض روح آنحضرت صلواة الله علیه فرمود
و آن پیر ملک الموت بود علیه السلام و آنحضرت را در مزرع عجرون
نزد بی بی ساره خاتون مدفون کردند کذا فی عرائس امام ثعلبی رحمة
الله علیه

الحمد لله والمنة که ترجمهٔ فارسی رسالهٔ عربی خواجه حسن بصری رحمة الله علیه
در مطبع مصطفائی بتاریخ بست و پنجم محرم سنه ۱۲۶۹ هجری محمد مصطفی خان خلف حاجی
محمد روشن خان عفا عنهما المنان طبع نمود